

این ماه

که روشن کرده امشب را؛

نه مثل ماه شب هایی که بیدارند،

مثل بارانی که در هاشور بارش هاش

چهره ی رؤیایی ات پیدااست.

نه مثل ماه تنهایی

که شادی های چشمک زن

کنارش نیست

مثل پايانبخش دشتي خشک:

جنگل سروي که مي گويد «بيا!

رؤيای بي پايان، میان ماست!»

نه مثل سرو ،

باران يا ستاره،

مثل آهي تو.

نمي دانم چه هستي

هرچه هستي، مثل ماهي تو!

